



مرکز تحقیقات و دانشگاهها: دوره‌های تحصیلات تکمیلی



سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۳، شماره مسلسل ۱۲

غلامرضا برادران خسروشاهی

مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات و
دانشگاه تهران

باسمه تعالی

در این شماره:

- مرکز تحقیقات و دانشگاهها: دوره‌های تحصیلات تکمیلی
مصاحبه با پروفسور شریل پرگر
- خلاصه‌ای از سخنرانیهای پروفسور پرگر در مرکز
خلاصه سخنرانی پروفسور موروزف در سمینار قارایی
مصاحبه با معاون مرکز در بخش ریاضی
شبکه در اخبار
- موزائیک و دستیابی انسان به شبکه
تازه‌های شبکه
آداب شبکه
تشکیل شبکه TERENA
راه‌اندازی شبکه در دانشگاهها
ترافیک در بزرگراههای اطلاعاتی
- آنچه گذشت
اخباری از مرکز
انتشارات مرکز
گزارشی از کتابخانه مرکز
برنامه‌های فصل

برای پذیرش این مطلب از سوی خوانندگان اخبار که در مقابل یک میلیون و صد هزار دانشجوی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی تعداد کادر علمی دانشگاهها بس اندک است، فکر نمی‌کنم حاجتی به شهادت ارقام و آمار باشد. آری، پیکره هیأت‌های علمی مؤسسات آموزش عالی بس نحیف و فرسوده و پا به سن و حتی گرفتار کبر سن است. متوسط سن اعضای هیأت علمی دانشگاههای معتبر در حدود ۵۰ است. این واقعیتی است بسیار تلخ و ناگوار و همه دست‌اندرکاران آن را خوب می‌دانند. خبر آن است که استادهای دانشگاه دارند پیر می‌شوند، یا، بی رودربایستی، پیر شده‌اند. دو مطلب وجود دارد که تصویر را بدتر می‌کند. یکی آنکه با این شرایط سخت‌گرانی و بی‌مسکنی، هیچ امیدی به آن نیست که نسل جوان و تحصیل‌کرده مقیم خارج برگردد، و دیگر آنکه با تأسیس دوره‌های دکترا و کلاً گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی، و لاجرم با جذب بخشی از کادر علمی دانشگاهها که از کارایی تحقیقاتی بیشتری برخوردارند به این دوره‌ها، دوره‌های کارشناسی حتی با بهران بیشتری مواجه‌اند.

چرا چنین است و چرا چنین شده است؟ بعد از انقلاب، با مهاجرت بخشی از کادر علمی مؤسسات آموزش عالی به خارج از کشور یا جذب آنها به بخش خصوصی و عدم جذب نیروهای جدید توسط دانشگاهها، پیکره هیأت‌های علمی این مؤسسات صدمه قابل ملاحظه‌ای دید و تعطیلی طولانی دانشگاهها هم بر این مصیبت افزود و سبب رکود علمی و زنگ‌زدگی کادر موجود شد. لذا اعضای کادر علمی موجود اینک ۱۵ سال پیرترند و با سختی معیشت دست و پنجه نرم می‌کنند، به ربال حقوق می‌گیرند و با دلار زندگی می‌کنند، و زیادی تدریس این در و آن در (مخصوصاً در دامان گسترده دانشگاه آزاد) آنها را فرسوده‌تر و از زندگی بیزارتر می‌کند. نقشه‌های زودگذر دست‌اندرکاران از قبیل مؤسسه کادرسازی «تربیت مدرس» نیز چندان گلی بر سر شکافته نروده و کاری از پیش نبرده و کارگر نیفتاده.

علی‌رغم این کاستیها و مشکلات و تلخی و ناامیدی که از تفکر در این باره نصیب

فیزیک نظری و ریاضیات را در این میانه ذکر کنم. مرکز تحقیقات که اینک سه سال از عمر پربرکت آن می‌گذرد کارهای مفید و ست‌گذارد چندی انجام داده است و با کارهایی که انجام داده و می‌دهد در زیانزد کردن علوم ناب که در این کشور تاریخی همانند دیگر کشورهای در حال توسعه از مظلومیتی تاریخی رنج می‌برند، سهم بسزایی داشته است. در پایان این سه سال که مقارن است با پایان سومین سال انتشار اخبار، کارهای درخشان و ماندنی مرکز را باید ذکر کرد:

۱. یک کار فراملی، ایجاد گره ایران در شبکه جهانی پست الکترونیک خدمتی است فراملی زیرا حتی می‌تواند در منطقه اترگذار باشد. مرکز با دوراندیشی و آینده‌نگری این کار را انجام داده است. این اعتقاد راسخ رئیسی مرکز به گسترش شبکه در سراسر این سرزمین، علی‌رغم تمامی مشکلات و موانعی که بر سر راه بوده است، واقعاً ستودنی است. دانشگاهها به تدریج بیدار می‌شوند و مزه وصل بودن به علم جهانی را می‌چشند. شبکه ملی و شبکه‌های محلی در حال ایجاد و گسترش هستند. در هر شماره بخشی از صفحات اخبار به این امر مهم اختصاص یافته است. شاید چندین سال لازم باشد که این «وسیله بهشتی» کاملاً خانگی شود. در این رهگذر به دانشگاهها و مؤسسه‌هایی که هنوز بیداری و عزم لازم را نیافته‌اند که به شبکه ملحق شوند هشدار می‌دهیم که فردا ممکن است خیلی دیر باشد.

۲. یک کار ملی، کتابخانه مرکز در این شرایط سخت کمی بودجه و مشکل بودن خرید کتابهای خارجی برای دانشگاهها، نقش واقعاً منحصر به فردی ایفا می‌کند. تأمین بودجه‌هایی که با ارز خارجی سروکار دارند واقعاً مشکل است. این کتابخانه برای فیزیک نظری و ریاضیات به یک گنجینه ملی تبدیل خواهد شد مگر تا کتون نشده باشد. با توسعه پست الکترونیک خدمات کتابخانه گسترده‌تر و فراگیرتر خواهد شد و نقش یک کتابخانه مادر را برای ریاضیات و فیزیک در تمام جامعه علمی ایفا خواهد کرد.

۳. یک کار محلی اما پس مهم. مرکز در این سه سال عمر خود حامی بزرگ تحقیقات فیزیک نظری و ریاضی در سطح کشور بوده است. این کار با تأسیس هسته‌های تحقیقاتی، پشتیبانی از تک‌پروژه‌ها، و برگزاری کارگاهها و غیره واقعیت یافته است. به عنوان مثال اینک تقریباً همه تحقیقات بهترین دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دوره‌های تحصیلات تکمیلی در فیزیک نظری به وسیله مرکز حمایت می‌شوند. در این مورد البته حرفهای زیادی هست که باید گفته شود. این وظیفه اصلی و اساسی مرکز باید پیوسته مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

می‌بینید که چگونه کارهای اساسی مرکز در تحکیم و گسترش و رونق دوره‌های تحصیلات تکمیلی به‌طور اعم و اخص مستمر برکات عذبه‌ای بوده است. پس برای روتی هر چه بیشتر دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاهها و برای پایداری و توفیق هر چه بیشتر مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات در این روزگار سخت اقتصادی دعا کنیم.

وجدانهای بیدار و آگاه می‌شود، پیشروترین اقدام دولت بعد از انقلاب تأسیس دوره‌های دکترا و گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی بوده است. تنها بارقه امید در مورد آینده نظام دانشگاهی موفقیت این برنامه است. باید موضوع تحصیلات تکمیلی دائماً بازنگری شود و تنگناهای آن مورد توجه ویژه قرار گیرد. اینک که از خارج کسی سراغ ما را نمی‌گیرد بگذار به داخلها برسیم. سامان دادن به این دوره‌ها، با این وضعیت دشوار و قلت زاد نیازمند تدبیر و اندیشه است و مدیریتی مدبر و... می‌طلبد. کاملاً به تصور آمدنی است که می‌توان از هول هلبم در دپگ افتاد و کیفیت را فدای کمیت کرد و به هر کس و ناکسی اجازه داد که در این دوره‌ها کار کند تا آنکه آن کس و ناکسها هم به هر کس و ناکسی دکترایی اعطا کنند و فردا روز قشر ضخیمی از «بازدارندگان» دانشگاهها را پر کنند که هیچ احداناسی حتی کم‌سوادی را هم به دانشگاه راه ندهند. این کار کاملاً به تصور آمدنی است: پس چه باید کرد؟

بگذارید قبل از اینکه وارد اصل مسأله شوم چندین توصیه را که به عقل حقیر می‌رسد همین جا مطرح کنم:

اولاً باید هیأت‌های ممیزه هشیار باشند تا افرادی که ارتقاء می‌یابند حتماً مقاله‌ای در نشریات معتبر خارجی چاپ کرده باشند. اگر چنین نکنند و چنین نباشد، آنگاه آن عضو هیأت علمی نمی‌تواند از دانشجوی دکتری خود بخواهد که از ترش مقاله‌ای درآورد که قابل چاپ در نشریات معتبر باشد. این معیار درستی است برای سنجش هیأت‌های علمی و لازم است مرعی گردد. اگر این کار را نکنیم فردا از دانشجوی خود نمی‌توانیم انتظار کاری با کیفیت بالا داشته باشیم.

ثانیاً باید از دانشجویان دکترا و کارشناسی ارشد که فعلاً از میان بهترینها انتخاب می‌شوند در تدریس دوره‌های کارشناسی به نحو احسن سود جست. با این کار اولاً جای خالی از دست رفتگان پر می‌شود، و ثانیاً دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی آموزش لازم را می‌بینند و ورزیده می‌شوند. متذکر می‌شوم که این کار گرچه طبیعی می‌نماید، اما همان نیروهای «بازدارنده» که ذکر خیرشان رفت، در گروهها جلو این کار را می‌گیرند. مخصوصاً حالا که حق‌التدریس دوباره افزایش می‌یابد. این کار نیاز به تدبیر و مدیریت خوب دارد؛ پس در انتخاب مدیران باید دقت کافی مبذول شود. باید با ظرافت عمل کرد و دوراندیش بود. مدیران دانشکده‌ها به جریانات سالم درون گروهها کمک کنند تا افراد مدیر و کاردان به عنوان مدیر گروه انتخاب شوند. تمامی خیر و شر دانشگاهها در گروهها رقم می‌خورد. ساختار گروهها باید حتی المقدور دمکراتیک باشد و جنبه‌های شورایی آنها تقویت شود.

ثالثاً آنکه باید به مسائل مختلف دوره‌های تحصیلات تکمیلی مخصوصاً مشکلات دانشجویان این دوره‌ها با حوصله تمام رسیدگی کرد. باید جذابیت دوره‌ها را روزافزون کرد. لازم است کمیته‌های تحصیلات تکمیلی از افراد باتجربه و محقق تشکیل شود.

این مقدمه مفصل و با حاشیه را از آن باب آوردم که سهم مرکز تحقیقات